

جهت گیری توسعه در ترکیه

اسلام گرایی یا عمل گرایی

محمد مهدی رحیمی

سرمایه گذاری و حضور در صنایع مختلف و فعال سازی تجارت خارجی در ده سال اخیر حاصل گردیده است. در عین حال ایجاد مزیت های نسبی در عرصه تجارت، بانکداری و خدمات عمومی و کسب علم و تکنولوژی روز برای ایجاد درآمدهای بیش تر از نکات مهم است. تا آن جا که بر اساس برخی آمار حدود ۴۰ درصد خودروی مورد نیاز اروپا در ترکیه تولید می شود و این یعنی درآمد سرشار ارزی.

۲ «کمرنگ کردن نقش ارتش و نظامیان» در تصمیم سازی سیاسی از دیگر اقدامات مهم حزب عدالت و توسعه در راستای چرخش روال عمومی جامعه تعبیر می شود؛ چرا که در گذشته نه چندان دور همیشه سایه نظامیان و امرای ارتش در جای جای تصمیمات در ترکیه دیده می شد. جریان جدید در ترکیه در راستای این اقدام تا آن جا پیش رفت که در حال حاضر شورای امنیت عالی ملی این کشور را نیز در بر گرفته و برخلاف گذشته این شورا عده ای از غیرنظامیان را نیز در چرخه تصمیم گیری خود جای داده است. اگرچه هنوز هم ارتش جایگاهی والا در ترکیه دارد و از آن به «دولت سایه» تعبیر می شود.

۳ «تسهیل شرایط عمومی زندگی» با کاهش نرخ تورم به حدود ۷ درصد، افزایش حقوق در بخش های مختلف جامعه به همراه کاهش بدهی های خارجی کشور و در مقابل افزایش سرمایه گذاری در داخل و... مجموعه این سیاست ها و اقدامات باعث شده تا ترکیه جایگاه هفدهم قدرت اقتصادی را در جهان به دست آورد. این کشور در فاصله دوره ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰ با جذب سرمایه ای بالغ بر ۸۰ میلیارد دلار به مرکز و قطب سرمایه جهانی در منطقه تبدیل شد. صادرات این کشور نیز که در سال ۲۰۰۲ حدود ۳۶ میلیارد دلار بود، در سال ۲۰۱۱ به ۱۳۵ میلیارد دلار افزایش یافت. البته چنین تحولی فارغ از مدیریت و قابلیت های حزب عدالت و توسعه، حاصل تعامل ترک ها با نظام جهانی بوده است. در حال حاضر نیز اقتصاد ترکیه پس از چین بالاترین رشد اقتصادی در جهان را دارد. اسلام گرایان ترک با ارائه این کارنامه و تابلو موفق، اعتماد سرمایه جهانی نسبت به خود را پدید آورده اند. از سوی دیگر حزب عدالت و توسعه به این کارنامه توانسته است برای اولین بار در تاریخ ترکیه در سه انتخابات متوالی آرای خود را هر بار افزایش دهد و محبوبیت و مقبولیت خود نزد مردم را به رخ رقیبان بکشد.

ترکیه و ایران از دیرباز با یکدیگر هم نوایی داشته اند. البته در طول تاریخ این همراهی ها گاهی شکل رقابت به خود گرفته و هر کشور در قالب رقیب به دنبال پشت سر گذاشتن دیگری بود است. در مواردی نیز این رقابت آنقدر جدی شده که به تقابل و منازعه نظامی هم کشیده شده است. نمونه بارز این منازعه دوران امپراطوری عثمانی ها و صفویان و جنگ های بسیاری است که میان دو کشور به وقوع پیوست. البته این رقابت در دوران فعلی اشکال دیگری به خود گرفته تا آن جا که برخی تحلیل گران، فعالیت های ترکیه در زمینه مبارزه با اسرائیل را صرفاً تلاش برای پر کردن نقش ایران در این عرصه می دانند و چندان برای آن اصالتی قائل نیستند. از سوی دیگر گاهی نیز این دو کشور پا جای پای یکدیگر گذاشته اند و پیرو شیوه و روشی شده اند که در یکی از آن ها در پیش گرفته شده و به بار نشسته است. مانند اصلاحات رضاخان پهلوی در ایران که آن را برگرفته از برنامه های آتاتورک در ترکیه می دانست.

در حال حاضر ترکیه یکی از جدی ترین رقیبان ایران در سطح منطقه در بسیاری از حوزه های اقتصادی، علمی، صنعتی و... به شمار می رود و بسیاری از هدف گذاری های چشم انداز ۲۰ ساله بر مبنای پشت سر گذاشتن ترکیه تدوین شده است. محور بحث در این جا ارزیابی اوضاع و احوال توسعه ترکیه در سال های اخیر است که برخی آن را دوران حکومت اسلام گرایان می دانند و معتقدند مبنای اساسی رشد و توسعه ترکیه در یک دهه اخیر، اسلام گرایی سران این کشور است.

هنگامی که حزب فضیلت ترکیه به رهبری نجم الدین اربکان با رأی دادگاه قانون اساسی منحل شد، از دل آن دو جریان مختلف زاییده شد: یکی حزب «عدالت و توسعه» که اگرچه در تمایلات اسلام گرایی و دیدگاه های اقتصادی دنباله رو همان راهی بود که اربکان بنیاد نهاد اما به جای ناسازگاری با غرب، بنای نزدیکی با غرب در عین دوستی با کشورهای مسلمان و تلاش برای پیوستن به اتحادیه اروپا را گذاشت و دیگری، حزب «سعادت» که به راه اربکان را در پشت کردن به غرب ادامه داد. چندی بعد در سال ۲۰۰۲ حزب عدالت و توسعه یک تنه

در انتخابات به پیروزی ای تاریخی دست یافت و توانست پس از مدت ها که ترکیه رنگ دولتی یکپارچه را به خود ندیده بود، با کسب بیش از ۳۴ درصد آرا به تنهایی دولت تشکیل دهد. اگرچه آمریکا به نجم الدین اربکان و جانشینان او بدبین بود اما دست پروردگان وی در حزب عدالت و توسعه توانستند اعتماد آمریکا را جلب کنند و در چشم دولت مردان آمریکایی به الگویی تبدیل شوند که به زعم آنان، می توانست حلال مشکلات غرب در جهان اسلام و مانعی بر سر راه رشد بنیادگرایی و غرب ستیزی میان مسلمانان باشد. البته حزب عدالت و توسعه نیز نهایت استفاده را از این خوشبینی برده و می برد. در این جا دلایل به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه به عنوان یک جریان مدعی اسلام گرا و اقبال مردم ترکیه به آن چندان محل بحث نیست، اگرچه پرداختن به آن در جای خود حائز اهمیت است.

به هر حال «آک پارتی» یا همان حزب عدالت و توسعه در دوران مدیریت خود بر ترکیه توانسته است چند تغییر اساسی در شاکله قدرت سیاسی و اجتماعی ایجاد کند که به مهمترین آن ها اشاره می شود:

۱ «افزایش توان اقتصادی» در سایه اتخاذ سیاست های واقع گراییانه از جمله نکات میز این دوره ترکیه است که با سیر صعودی تولید ملی و افزایش

